اخبار

اصغر فرهادی در فرانسه صاحب یک ستاره شد

در حاشیه برگزاری جشنواره بین المللی فیلم‌های مستقل اروپایی، به نام اصغر فرهادی که رییس هیات داروان این فستیوال است، ستاره‌ای رونمایی شد.

به گزارش مهر، پانزدهمین جشنواره بین المللی فیلم‌های مستقل اروپایی «Les Arcs» در کشور فرانسه، با حضور اصغر فرهادی به عنوان رییس هیات داوران در حال برگزاری است. در شهر محل برگزاری این فستیوال در مراسمی ستاره‌ای با نام اصغر فرهادی با حضور این فیلمساز ایرانی رونمایی شد.

پانزدهمین جشنواره فیلم «Les Arcs» از تاریخ ۱۶ تا ۲۳ دسامبر (۲۵ آذر تا دوم دی ماه) در منطقه بورگ-سن-موریس در رشته کوه‌های آلپ برگزار می شود و اصغر فرهادی سینماگر ایرانی به عنوان رییس هیأت داوران در کنار دیگر داوران از کشور فرانسه، فیلم های اروپایی بخش مسابقه این رویداد سینمایی را داوری خواهند کرد.

در این فستیوال فیلم هایی از سینمای مستقل اروپا به نمایش در می آید و مسترکلاس هایی با حضور سینماگرانی چون روبن استلوند، ایزابل هوپر، برنیس بژو و ... برگزار می شود.

توضیح معاون ارشاد درباره کتاب شفیعی کدکنی

معاون فرهنگی وزارت ارشاد پس از بحث‌های به‌وجودآمده درباره انتشار کتاب تازه شفیعی کدکنی توضیحاتی ارائه کرد.

به گزارش ایسنا، یاسر احمدوند - معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - در توئیتی نوشته است: «استاد شفیعی کدکنی از مفاخر ادبی ایران است. هیچ محدودیتی برای انتشار آثار ایشان وجود ندارد.» مدیرکل دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره وضعیت صدور مجوز مجموعه شعر جدید محمدرضا شفیعی کدکنی، «نامه‌ای به آسمان»، نکاتی گفته بود که موجب برداشت هایی شد. حالا یاسر احمدوند در توضیحاتی گفته است: اصولاً ارشاد هیچ‌گونه ارزیابی کیفی و علمی درباره آثار ندارد، در هیچ حوزه‌ای نه در حوزه ادبیات و نه حوزه‌های دیگر و مسئولیت محتوایی و کیفی آثار بر عهده نویسنده است. ارشاد به مصوبه ۶۶۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان دبیرخانه هیئت نظارت عمل می‌کند، اگر مواردی مغایر با آن مصوبه وجود داشته باشد، آن را تذکر می‌دهد که اصلاح شود. اما کیفیت آثار در هیچ زمینه‌ای مربوط به ارشاد نمی‌شود و نویسندگان خودشان مسئولیت کیفیت و ادعاها و مطالبی را که ارائه می‌کنند بر عهده دارند. معاون فرهنگی ارشاد با بیان این‌که ارزیابی ادبی نسبت به آثار استاد شفیعی صورت نمی‌گیرد، افزوده است: نه در مورد ایشان بلکه در مورد هیچ فرد دیگری، ارشاد جایگاه ارزیابی ادبی و کیفی ندارد. این شهبه ایجاد شده و لازم است پاسخ داده شود. هیچ محدودیتی در مورد انتشار آثار شفیعی کدکنی وجود ندارد. آثار ایشان هم مثل افراد دیگر ارزیابی ادبی و کیفی نمی‌شود. ایشان از مفاخر ما و چهره‌های عالی حوزه ادبیات هستند و به هیچ وجه آثارشان به عنوان یک اثر در سنجه داوری‌های ادبی در ارشاد قرار نمی‌گیرد.

عبدالله صمدیان درگذشت

عبدالله صمدیان، شاعر و وکیل در ۷۷ سالگی از دنیا رفت.

سیف‌الله صمدیان با تأیید خبر درگذشت برادرش به ایسنا گفت: متأسفانه او (سه‌شنبه، ۲۸ آذرماه) از دنیا رفت و صبح روز پنجشنبه (۳۰ آذرماه) در قطعه هنرمندان به خاک سپرده می‌شود.

این هنرمند عکاس و فیلم‌ساز و برگزارکننده جشن تصویر سال افزود: روز جمعه (اول دی‌ماه) نیز مراسم یادبودی از ساعت ۱۳ تا ۱۵ در خانه هنرمندان برگزار خواهیم کرد. عبدالله صمدیان، وکیل پایه یک دادگستری و شاعر متولد ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۵ در ارومیه بود که از ۱۶ سالگی سرودن شعر را در قالب کلاسیک آغاز کرد. «با تو با او»، «به ترتیب تاریخ و فکرها»، «نت‌های آینده»، «شرایط عاشقانه» و «پرش‌های پریشان خطهای ارغوانی» از آثار به‌جامانده از اوست.

کیانوش عیاری:

یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های غیرکمدی سینمای ایران را خواهم ساخت

فیلم سینمایی «ویلای ساحلی» به عنوان جدیدترین اثر کیانوش عیاری با بازی رضا عطاران، پژمان جمشیدی و ریما رامین‌فر در سینماهای کشور در حال اکران است.

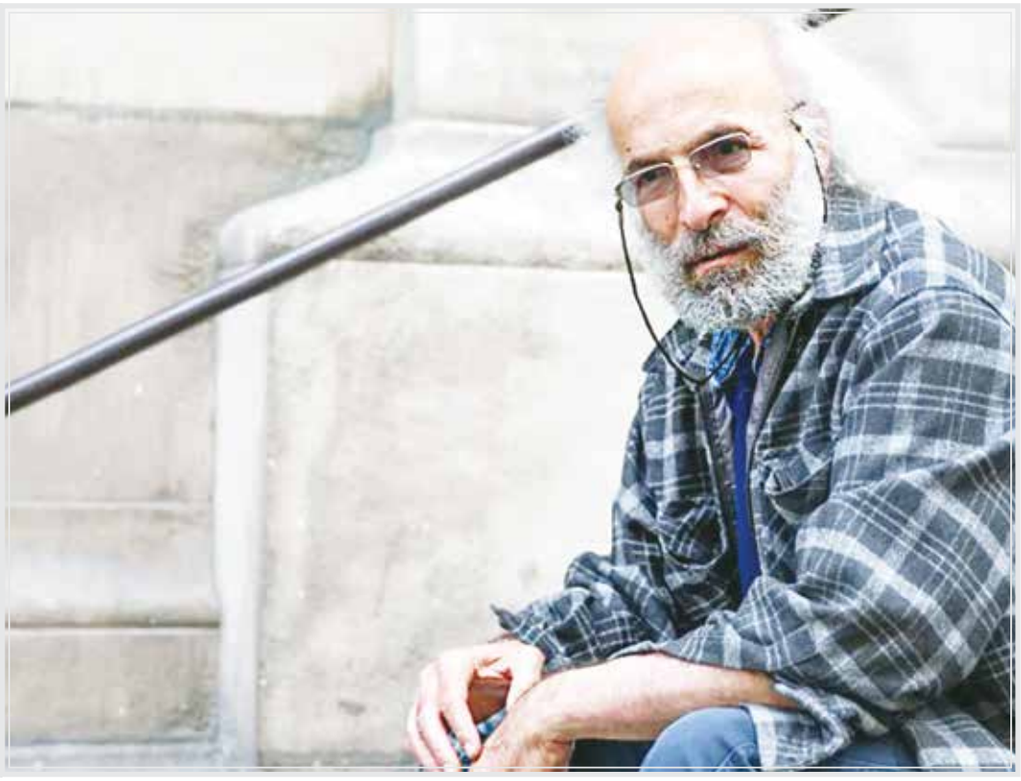

اگر من فیلم «ویلای ساحلی» را می‌سازم که فیلم کمدی نیست اما اثری بسیار شیرین است و تا الان هم توانسته فروش قابل توجهی داشته باشد، تنها به دلیل حضور رضا عطاران و پژمان جمشیدی نیست

«ویلای ساحلی» در کارنامه کیانوش عیاری اثری متفاوت به حساب می‌آید چراکه سینمادوستان او را به عنوان فیلمسازی اجتماعی می‌شناسند که همواره او روایتگر قصه‌هایی تلخ بوده ولی این بار با «ویلای ساحلی» از این فضای تلخ فاصله گرفته و به گفته خودش قصه‌ای شیرین روایت کرده است.

عیاری پیش‌تر انگیزه خود از ساخت این فیلم را کسب درآمد عنوان کرده است. در گفتگوی ایلنا با این کارگردان درباره این فیلم سینمایی و بازخوردهایی که از اکران آن و همچنین واکنش‌هایی که به اظهارنظر جنجالی‌اش درباره انگیزه ساخت «ویلای ساحلی» دریافت کرده، که در ادامه مشروح این گفتگو را می‌خوانید:

آیا شرایط سینمای ایران به شکلی است که هر فیلمساز اگر تمایل به فروش بالا دارد، باید حتماً به سمت سینمای کمدی برود؟

من توصیه نمی‌کنم که هر فیلمساز برای درآمدزایی باید حتماً یک کمدی بسازد، من هم علاقه دارم که فیلم‌هایم فروش داشته باشند و آنقدر فروش خوب برایم مهم و لذتبخش است که چند روز پیش تصمیم گرفتم که فیلم بعدی من یک فیلم پلیسی باشد و با خودم عهد کردم که باید یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های سینمای ایران را بسازم که اثری پلیسی و غیرکمدی باشد. ضرورتی وجود ندارد که برای دستیابی به فروش بالا باید حتماً یک فیلم کمدی ساخت.

حتماً فیلمی غیر کمدی می‌سازم که یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران خواهد بود و مطمئن باشید که موفق خواهم بود.

فیلمنامه این اثر پلیسی در چه مرحله‌ای است؟

نزدیک ۱۰ روز است که به این فیلمنامه فکر می‌کنم و خیلی جدی ذهنم را مشغول کرده است و اطمینان دارم که این فیلم پلیسی می‌تواند اثری بسیار پرفروش باشد.

به عقیده من ضرورتی ندارد که مردم را فقط با خنداندن به سینما بکشانیم، بلکه مردم را بایستی با جادوی سینما به سینما جذب کرد.

اما بسیاری بر این عقیده‌اند که در سینمای ایران عوامل تعیین‌کننده در فروش مسائلی غیر از کیفیت فیلم هستند و سازوکارهای تعیین‌کننده دیگری وجود دارد که شاید یکی از این‌ها مربوط به اقدامات پخش‌کننده فیلم باشد و به همین دلیل فروش، ارتباط چندانی با کیفیت فیلم ندارد.

پخش‌کننده قطعاً به دنبال فروش بالا و درآمدزایی است همانطور که فروش فیلم برای تهیه‌کننده هم اهمیت دارد. اینکه چرا فیلم‌های کمدی به چنین موقعیتی رسیده‌اند دلیلش در درجه اول به وضعیت روحی جامعه ما مربوط می‌شود. مردم آنقدر دل‌شکسته و دل‌زده هستند که احتیاج دارند حداقل به مدت دو ساعت وارد فضای دیگری شوند.

قطعاً فیلم کمدی نمی‌تواند معجزه کند و مردم را از فضای واقعی زندگی‌شان دور کند اما حداقل یک امکان موقت به آن‌ها می‌دهد که به چیزهای جدی فکر نکنند. غیر از این شرایط که مربوط به وضعیت روحی مردم می‌شود حاکمیت هم بی‌میل نیست که فیلمسازان را از فضای جدی، تلخ و محزون زندگی دور کند. فکر می‌کنم این حزن و تلخی در وجود اکثر فیلمسازان خوب ایرانی وجود دارد و از شرایط سیاسی و پیرامون زندگی خودشان و کشورشان دل‌شکسته هستند و این وضعیت روحی برای من هم وجود دارد.

اگر من فیلم «ویلای ساحلی» را می‌سازم که فیلم کمدی نیست اما اثری بسیار شیرین است و تا الان هم توانسته فروش قابل توجهی داشته باشد، تنها به دلیل حضور رضا عطاران و پژمان جمشیدی نیست، مردم می‌توانند این دو بازیگر را در یک فیلم کرخت و ضعیف ببینند و فیلم پس از مدت کوتاهی فروشش متوقف شود اما اگر فروش فیلم ادامه دارد و امیدوارم این روند بیشتر هم ادامه‌دار باشد به خاطر شیرین بودن فیلم است.

چرا فیلم «ویلای ساحلی» را فیلمی شیرین می‌دانید و تأکید دارید که اثری کمدی نیست؟ چه تفاوتی در تعریف این دو گونه فیلم وجود دارد؟

فیلم شیرین فیلمی است که تماشاگر وقتی وارد سالن می‌شود چندان درگیر مسائل غم‌انگیز و محزون پیرامون خودش نشود. ما این دو نوع فیلم را در دیگر کشورها هم می‌بینیم به عنوان مثال در آمریکا جری لوییس فیلم‌هایی ساخته و بازی کرده که کمدی هستند، در این فیلم‌ها از او رفتارهای اغراق‌آمیز می‌بینیم که بعضی از آن‌ها مثل فیلم «The Patsy» در حد شاهکار هستند، این فیلم‌ها کمدی به حساب می‌آیند اما کارگردان دیگری هم هست که فیلم شیرین می‌سازد مثل بیلی وایلدر که آثاری چون «ایرما خوشگله» یا «بعضی‌ها داغشو دوست دارند» را در کارنامه خود دارد؛ این فیلم‌ها کمدی نیستند اما نشاط‌انگیز هستند و تماشاگر را درگیر مسائل سخت زندگی‌نمی‌کنند.

این آثار بخش‌های شیرین زندگی را مدنظر قرار می‌دهند و فیلم‌هایی شیرین هستند؛ مثل فیلم «ویلای ساحلی» که اگر تماشاگر در حین دیدنش اندک خنده‌ای هم می‌کند به خاطر این است که ضرورت فیلم تماشاگر را می‌خنداند و کوششی برای خنداندن وجود ندارد. کوشش من در «ویلای ساحلی» این است که تماشاگر درگیر مسائل زندگی کسالت‌بار و محزون خودش نباشد و بتواند برای ساعتی از این فضا فاصله بگیرد.

فیلم «ویلای ساحلی» اگر چه به سرنوشت فیلم‌های قبلی شما دچار نشد اما با بازخوردهای متفاوتی روبرو بوده است. واکنش‌ها به ساخت این فیلم از زمانی که انگیزه خود را برای ساخت آن بیان کردید، بسیار بیشتر هم شد.

برخی به این جمله من که گفته بودم به خاطر پول «ویلای ساحلی» را ساختم نگاه عجیبی داشتند. باید به این افراد بگویم من بعد از عمری فیلم ساختن در سینمای ایران، به طوریکه همه فیلم‌هایم آثاری جدی و محزون بودند و بدون استثناء تمام آن‌ها از سوی دولت‌ها با مشکل مواجه شدند، تصمیم گرفتم فیلمی کمدی بسازم. این آثار نه تنها آورده مالی برایم نداشتند بلکه من را درگیر دردسر و گرفتاری کردند.

ذهنیت بسیاری این است که من حق ندارم بعد از ساخت «روزگار قریب»، «خانه پدری»، «بودن یا نبودن» و «بیدار شو آرزو» فیلم شیرین بسازم؛ من بایستی همچنان تلخ و آزاردهنده باشم. به این افراد که چنین ذهنیتی دارند باید بگویم دستگاه چاپ پولم دچار مشکلی شده و به همین دلیل دیگر نمی‌توانم پول چاپ کنم و از این جهت ناچار هستم که با نوع فیلمسازی به یک درآمدی دست پیدا کنم.

حتی وقتی سریال «روزگار قریب» را ساختم در برنامه زنده تلویزیون مجری با اشاره به اینکه گرایشات فکری من به دوران پوست انداختن ایران بسیار جالب است، از من پرسید که چه انگیزه‌ای برای ساخت این سریال داشتم و من در پاسخ گفتم که انگیزه من در درجه اول پول درآوردن بود و «روزگار قریب» را به این دلیل ساختم که تعداد زیادی از فیلم‌هایم دچار توقیف و نابودی شده بودند، من پول احتیاج داشتم و در آن زمان صدها میلیون تومان به نزول‌خواران بدهکار بودم و تنها راه نجات من پول درآوردن بود و تنها کاری که می‌توانستم انجام دهم فیلم ساختن و کسب درآمد بود که به همین دلیل «روزگار قریب» را ساختم و توانستم با درآمد معمولی آن سریال از شر نزول‌خواران راحت شوم. این حق طبیعی من بود که به درآمد فکر کنم و اصلاً قرار نبود انگیزه طبیعی من را که پول درآوردن بود، پنهان کنم و به مسائل دیگری اشاره کنم و با ناصادقی، مخاطب و تماشاگر را فریب دهم. همان زمان چون به صراحت حرفم را زدم عده‌ای به کامشان خوش نیامد و انتقاد کردند که من چرا با این صراحت گفتم که به خاطر پول «روزگار قریب» را ساختم.

آن زمان صادقانه انگیزه‌ام را بیان کردم و الآن هم صادقانه می‌گویم که به خاطر پول «ویلای ساحلی» را ساختم؛ پولی که هم می‌تواند نازنین باشد و هم نفرت‌انگیز و این به مخاطب بستگی دارد که کدام یک از این دو صفات را به من منتسب کند.

با این وجود، «ویلای ساحلی» جایگاهی در کارنامه کیانوش عیاری دارد؟

«ویلای ساحلی» را فیلم خوبی می‌دانم و از آن ناراضی نیستم اما مسلماً از انگیزه‌های اصلی زندگی‌ام که با من سرشته شده و آن تلخکامی و زهرآگین بودن زبان و نگاهم، فاصله دارد. «ویلای ساحلی» ربطی به فیلم «خانه پدری»، «کاناپه» یا «بودن یا نبودن» ندارد اما من به هیچ عنوان برای اینکه فیلمی شیرین بسازم وارد حوزه ابتذال نشدم و شما اثری از ابتذال را در «ویلای ساحلی» نمی‌بینید.

بازی بازیگران خوب است، تا حد ممکن سعی کردم از تجربه و توانم برای صحنه‌آرایی استفاده کنم و مخاطب را با تصاویری با کیفیت روبرو کنم.

سینمای کمدی در ایران معمولاً با کلیدواژه «ابتذال» نقد می‌شود، یک فیلم مبتذل چه ویژگی‌هایی دارد که «ویلای ساحلی» را فاقد این ویژگی‌ها می‌دانید؟

معنای ابتذال را همه می‌دانیم، به نظرم ابتذال در سینما ورود به عرصه دیالوگ‌های سخیف است؛ دیالوگ‌هایی که فقط و فقط برای خنداندن مخاطب بیان می‌شوند و فیلم سعی دارد به هر قیمت ممکن مخاطب را بخنداند.

در ابتذال معمولاً فیلمساز به سمت سوژه‌های دم دستی می‌رود اما این دم دستی بودن هم به خودی خود کافی نیست تا اثری را مبتذل بدانیم؛ فیلم «کاناپه» هم سوژه بسیار پیش پا افتاده‌ای دارد، خانواده‌ای که یک مبل را پیدا می‌کند و می‌خواهند از آن مبل در خانه‌شان استفاده کنند که همین مسئله ماجراهایی را در پی دارد. این سوژه بسیار پیش پا افتاده است اما نوع نگاه من و نوع استفاده من از آن کاناپه در فیلم «کاناپه» مهم است که من چگونه از این سوژه استفاده می‌کنم. در فیلم‌های مبتذل اتفاقاتی پی در پی رخ می‌دهند و منطقی برای رخ دادن آن‌ها وجود ندارد به طوریکه همه چیز صرفاً برای خوشامد تماشاگر و شکل‌گیری یک فضای کمیک یا جذاب برای جذب کردن تماشاگر است.

کشف گنجینه گمشده در یک خانه

گنجینه گمشده متعلق به شهر باستانی «پمپئی» در خانه یک خانواده ساکن بلژیک پیدا شد.

چبه گزارش ایسنا به نقل از آرت‌نت، یکی از گنجینه‌های متعلق به شهر «پمپئی» واقع در ایتالیا که از مدت‌ها قبل ربوده شده بود، در خانه‌ای واقع در بلژیک پیدا شد.

این اثر باستانی مرمرین در ۵۰ سال اخیر در دیوار مجاور پلکان منتهی به زیرزمین یک خانه نصب شده بود. به گفته پسر مالک این خانه، این اثر باستانی حدود پنج دهه قبل از «پمپئی» به عنوان سوغاتی خارج شده بود. پدر او در سفری که به ایتالیا داشته، این اثر را از مردی ناشناس تحویل گرفته، که بلافاصله پس از فروش آن صحنه را ترک کرده است. اعضای خانواده که از اهمیت این شیء مطلع نبودند آن را به عنوان یک شیء تزئینی در خانه خود نصب کرده بودند.

قدمت این تکه مرمر باریک، که روی آن حکاکی‌هایی وجود دارد، به حوالی ۶۲ میلادی بازمی‌گردد و روی آن صحنه‌ای از زمین‌لرزه‌ای به تصویر کشیده شده که در همان سال رخ داده است. نکته قابل توجه درباره نقش‌های روی این مرمر، نمایش فروریختن دروازه‌های «پمپئی» است.

زمانی که مالک ۸۵ ساله این خانه تصمیم گرفت آن را بفروشد، اعضای خانواده نیز تصمیم گرفتند درباره ارزش احتمالی این تکه مرمر مطلع شوند. در نتیجه آن‌ها از کارشناسان یک موزه خواستند که این مرمر را بررسی کنند.

این تکه مرمر به همراه یک تکه مرمر مشابه دیگر، حدود ۲۰۰۰ سال قبل در خانه‌ای واقع در مرکز «پمپئی» نصب شده بودند. این تکه مرمر که اخیرا کشف شده است، حدود نیم قرن به عنوان یک شیء مسروقه گزارش شده بود. محققان همچنان بررسی این مرمر را برای تایید اصالت آن ادامه خواهند داد.

هنگامی که کوه «وزوویوس» در سال ۷۹ پس از میلاد منفجر شد، پمپئی و اطراف آن، زیر خاکستر آتشفشانی مدفون شد و هزاران رومی که اصلاً نمی‌دانستند در زیر یکی از بزرگترین آتشفشان‌های اروپا زندگی می‌کنند جانشان را از دست دادند. با فوران این آتشفشان، شهر زیر لایه‌ای ضخیم از خاکستر مدفون شد. کاوش‌های باستان‌شناسی در این محوطه به کشف آثار تاریخی و بناهای متعددی منجر شده است.

اخبار

چرا جمشید هاشم‌پور به مراسم تشییع رضا صفایی‌پور نرفت؟

طبق پیگیری‌ها از دوستان نزدیک جمشید هاشم‌پور برخلاف برخی خبرهای نادرست جمشید هاشم‌پور در منزل به سر می‌برد و به دلیل ناخوش احوالی نتوانسته امروز در مراسم دوست و همکار قدیمی‌اش رضا صفایی‌پور شرکت کند.

جعفر گودرزی - رییس انجمن منتقدان خانه سینما- درباره احوال جمشید هاشم‌پور به ایسنا گفت: حدود یک ساعت قبل با همسر ایشان صحبت کردم و حالشان خوب است.

صبح امروز، ۲۸ آذرماه مراسم تشییع مرحوم رضا صفایی‌پور برگزار شد و شاید خیلی‌ها منتظر حضور او در مراسم وداع با یکی از همکاران قدیمی‌اش بودند اما با توجه به سن و سال و شرایط جسمانی او امکان حضور این بازیگر و خیلی‌های دیگر فراهم نشد.

گودرزی بیان کرد:حال آقای هاشم‌پور چندان مساعد نیست و پس از مراسم تشییع آقای صفایی‌پور با همسر آقای هاشم‌پور تماس گرفتم که با ایشان صحبت کنم و به دیدارشان بروم ولی چون خواب بودند قرار بر این شد که بعدا صحبت کنیم.

از دقایقی قبل خبری مبنی بر درگذشت این بازیگر در برخی رسانه‌ها و فضای مجازی منتشر شده که رییس انجمن منتقدان سینما که ارتباط نزدیکی با او دارد، آن را تکذیب کرد.

همچنین خانه سینما و موسسه پیشکسوتان اخبار نادرست درباره این بازیگر را تکذیب کردند.

ملیکا شریفی‌نیا جای پژمان بازغی اجرا می‌کند؟

شبکه نسیم امروز اعلام کرده است برنامه «کودک شو» با تغییراتی در تیم تولید و مجری، فصل جدید را از نیمه دی ماه روی آنتن می‌برد.

هر چند در این خبر همچنان نامی از ملیکا شریفی‌نیا به عنوان گزینه اجرای این برنامه برده نشده است اما حضور این بازیگر تلویحا تایید شده و در حال حاضر در حال انجام مراحل اداری برای قطعی شدن اجرای او در برنامه شبه گزارش ایسنا، بعد از خداحافظی پژمان بازغی از «کودک شو» و با پایان فصل پنجم، سازندگان این برنامه هم تغییر کردند و تهیه‌کننده و کارگردان فصل جدید «کودک شو» معرفی شدند.

ملیکا شریفی‌نیا هم که پیشتر با سریال «نجلا» در قاب تلویزیون ظاهر شده است، گزینه اصلی اجرای این برنامه بعد از پژمان بازغی است. او همراه با پژمان بازغی در برنامه «شب‌های مافیا: زودیاک» در یکی از پلتفرم‌ها هم حاضر شده بود.

علت تغییر سازندگان برنامه هر چند از سوی شبکه نسیم توضیح داده نشده است با این حال اینگونه عنوان کرده‌اند که هر برنامه‌ای برای تداوم مسیر رشد ناگزیر از تغییر و روزآمدی است.

فصل جدید «کودک شو» این روزها در لوکیشنی جدید در مرحله پیش تولید و آماده‌سازی دکورها قرار دارد تا به‌زودی تصویربرداری آن آغاز شود.

حسین ربانی غریبی، تهیه‌کننده این فصل از برنامه است و رضا مهرانفر که در فصل‌های اولیه برنامه جزو هسته اصلی برنامه بوده است در فصل جدید کارگردانی را بر عهده دارد.

همچنین طراحی و تولید برنامه با بازی‌ها و آیتم های جدید قرار است پیش برود و به همین منظور دکورهای جدید در حال ساخت است. در حال حاضر مراحل ساخت این دکورها رو به پایان است و به‌زودی در لوکیشن جدید کار جدید می خورد.

حسین ربانی غریبی تهیه‌کننده فصل جدید «کودک شو»، تهیه کنندگی برنامه های مانند «نشان مهربانی»، «فانوس دریایی»، «موزه گرد»، «سوره هنر» و... را در کارنامه خود دارد. وی عضو شورای راهبردی شبکه امید هم بوده است. رضا مهرانفر کارگردان فصل جدید برنامه پیش از این علاوه بر کارگردانی دو فصل ابتدایی «کودک شو»، به عنوان کارگردان با برنامه‌های مختلفی از جمله «اعجوبه‌ها» و «تی ان تی» همکاری داشته است.

«کودک شو» از سال ۹۶ پخش خود را از تلویزیون آغاز کرد و تاکنون در پنج فصل روی آنتن قرار گرفته است.

انتقادات صریح اصغر همت در تشییع «طوفان»

بی‌توجهی‌ها هنرمند را می‌کشد

پیکر رضا صفایی‌پور (بازیگر معروف به طوفان) با حضور جمعی از همکاران و دوستانش به سمت خانه ابدی در حالی بدرقه شد که اصغر همت بازیگر در سخنانی صریح گفت: اینجا می‌گویم که «پارکینسون» کسی را نمی‌کشد، این بی توجهی‌ها و توقع هنرمند است که جواب نمی‌گیرد و او را می‌کشد.

به گزارش ایسنا، صبح سه‌شنبه ۲۸ آذرماه خانه سینما برای چندمین بار در ماه‌های گذشته میزبان مراسم وداع با یکی دیگر از اهالی سینما شد و این بار قرعه به نام یکی از بازیگران مطرح در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ خورده بود که در دوران کاری‌اش به «بدمن» سینما شهرت داشت.

رضا صفایی‌پور معروف به رضا طوفان از آخرین نسل بازیگران ژانر اکشن سینمای ایران بود که دو روز قبل پس از مدتی که به بیماری پارکینسون مبتلا شده بود از دنیا رفت. در مراسم تشییع این هنرمند که با حضور خانواده و جمعی از سینماگران برگزار شد، ابوالفضل پورعرب، علی دهکردی (مدیر عامل خانه سینما)، پژمان بازغی، منوچهر شاهسواری، اصغر همت، محمد شیری، فرید سجاد حسینی، حسن رضائی، مهوش وقاری،سعید خانی از جمله حاضران بودند.

کامران ملکی که پس از مدتها اجرای مراسمی این چنینی را برعهده گرفت، گفت: من سال‌ها برای مراسم وداع هنرمندان اینجا بودم و رضا طوفان از اولین کسانی بود که می‌آمد. خیلی ها بخاطر آلودگی هوا نتوانستند بیایند بخصوص آنکه سن همکاران طوفان سنی نیست که در این آلودگی هوا حضور داشته باشند ولی در رسانه ها دیدید که چطور از رضا طوفان یاد کردند.

پس از او اصغر همت در جایگاه حاضر شد و در سخنانی اعتراضی نسبت به حاضر نشدن سینماگران در مراسم و بهانه آلودگی بیان کرد: یک زمان برای برخی مسائل آدم به جهنم هم باید برود.

وی ادامه داد: گاهی فکر می‌کنی نباید انتقادی کنی ولی اگر آنهایی که رضا به گردنشان حق داشت و باید می‌بودند الان حضور داشتند که جای این بحث‌ها باز نمی‌شد. شنیدم که جوانی در این جا گفت یک بار رضا صفایی پور را دیده و الان از بوکان برای مراسم آمده است. یک زمان در جشنواره‌های تئاتر بیانیه هیات داوری می‌نوشتیم و شاید من یکی از کسانی بودم که جلوی بیانیه نوشتن را گرفتم چون دیدم چرا باید اینقدر تکرار کنیم وقتی فایده ندارد. اصغر همت سپس متنی را که پس از شنیدن خبر درگذشت رضا صفایی‌پور نوشته بود قرائت کرد و در آن اشاره کرد که رضا صفایی‌پور نمونه آن دست هنرمندانی بود که نه ارج دیدند و نه برصدر نشستند. همت گفت: رضا صفایی‌پور مثل خیلی‌های دیگر قدر ندید در حالی که جایزه بین‌المللی هم گرفت. من همانطور که می‌دانید (همسرش افسر اسدی درگیر بیماری پارکینسون است) با بیماری پارکینسون درگیر هستم و اینجا می‌گویم که پارکینسون کسی را نمی‌کشد، این بی توجهی است که می‌کشد و توقع هنرمند که جواب نمی‌گیرد.

سپس سید عباس عظیمی مدیرعامل موسسه هنرمندان پیشکسوت گفت: با استاد صفایی‌پور مدام در تماس بودیم.بزرگانی که در سینما هستند بدانند خودشان هم یک روز پیر می‌شوند و اگر به ایشان نقشی داده می‌شد، شاید در ۸۴ سالگی این اتفاق می‌افتاد نه در ۷۴ سالگی. ای کاش پیام‌ها و تماس‌های این مدت تا قبل از آسمانی شدن ایشان بود.

عادل تبریزی کارگردان «گیج گاه» نیز با بیان اینکه «عجیب و تلخ است که آخرین حضورشان در فیلم من بود» در سخنانی انتقادی گفت: همیشه از هنرمندانی که ممنوع‌الکار می‌شوند حرف زده می‌شود، ولی از هنرمندانی که از ظرفیتشان استفاده نشد چه کسی باید حرف میزد؟ در زمانی گفتند دوره بعضی فیلم‌ها تمام شده و خدا نگذرد از کسانی که این جمله را گفتند و با بیانش ظرفیت بالای هنرمندانی همچون رضا صفایی‌پور را از بین بردند. در ادامه ابوالفضل پورعرب بازیگر بیان کرد: متاسفم خیلی از کسانی را که باید اینجا حضور می‌داشتند نمی‌بینم. ایرادی ندارد شاید نتوانستند. او گفت: آقای طوفان واقعا آقای طوفان بود و ما در زمان کار با هم کیف می‌کردیم. او از یک چیز رنج می‌برد و آن احوال نپرسیدن بود که الان می‌بینم حق داشت. نسل ما که کار می‌کرد، همیشه نگران بود و الان میبینیم که خوب است به هم احترام بگذاریم تا شاید در روابط اجتماعی موفق باشیم. او همچنین اضافه کرد: از خانه سینما هم (اگرچه من عضو آن نیستم) برای برپایی مراسم تشکر می‌کنم.

آخرین سخنران این مراسم علی دهکردی مدیرعامل خانه سینما بود که بیشتر سخنش رو به مسئولانی بود که برای سینما تصمیم می‌گیرند اما در این اتفاق‌ها حضوری ندارند.

او ابتدا گفت: رضا عاشق سینما بود و شاید عاشق‌ترین به سینما بود. بازیگری شاید یکی از حسرت برانگیزترین حرفه‌های دنیا باشد که آتش به بیرون می‌اندازد ولی از درون بازیگر را می‌سوزاند. بیماری پارکینسون عشق واقعی رضا را از او گرفت و این برای او که همیشه قهرمان بود خیلی سخت‌تر بود.من از طرف خودم و نیز خانه سینما به خانواده ایشان تسلیت می‌گویم و امیدوارم آن تصمیم‌گیرندگان برای

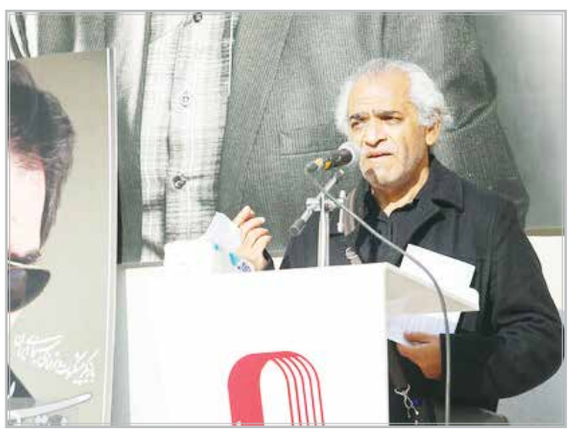

سینما که باید امروز می‌آمدند، این حرفها را بشنوند چون خانه سینما باید بتواند به هنرمندان رسیدگی کند و ما می‌خواهیم که با دستهای پُر از آنها حمایت کنیم نه با شرمندگی!

او با اشاره به اینکه شرایط برخی از هنرمندان یه جایی می‌رسد که هنگام مرگ می‌گویند راحت شد، گفت: چرا باید شرایط طوری باشد که بگوییم راحت شد؟ از چه راحت شد؟ همه می‌دانیم و لازم به گفتنش نیست.